



شرح ابن اوتجل

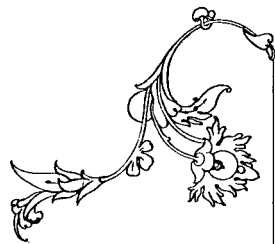
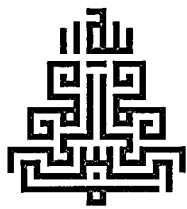
جلا اللہ بزوانی

اعظم سوطع الافاق في شرح لوامع الشقل

محمد يوسف علي هندي

مقدمہ: سید عبداللہ انوار

تصحیح و تحقیق: عبدالرسول فروتن



فَقَدْ كَفَرَ بِاللَّهِ مَا لَمْ يَكُنْ مِنَ الْكَاذِبِينَ



[www.molapub.com](http://www.molapub.com)



[molapub](https://www.instagram.com/molapub)



<https://t.me/molapub>

شمس الخبايا  
جلا اللبس والظلمة

اعظم سواع الافاق في شرح لواع الشقل  
محمد يوسف علي هندي  
مقدمه: سيد عبد الله انوار

تصحيح وتحقيق: عبد الرسول فروتن



انتشارات مولی

سرشناسه: یوسفعلی‌هندی، محمد، ۱۸۷۲ - ۱۹۵۲ م

عنوان قراردادای: لوامع‌الاشراق فی مکارم‌الاخلاق شرح

عنوان و نام پدیدآور: شرح اخلاق جلالی، اعظم سواطع‌الآفاق فی شرح لوامع‌الاشراق، محمد یوسفعلی‌هندی، تصحیح و تحقیق عبدالرسول فروتن، مشخصات نشر: تهران، موی، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۴۰۵ ص.

شابک: 978-600-339-168-0

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه ص ۳۶۹ - ۳۷۰

یادداشت: نمایه

عنوان دیگر: اعظم سواطع‌الآفاق فی شرح لوامع‌الاشراق.

موضوع: دواش، محمدبن‌اسعد، ۸۲۰ - ۹۰۸ق. لوامع‌الاشراق فی مکارم‌الاخلاق -- نقد و تفسیر

موضوع: اخلاق -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Ethics -- Early works to 20th century

اخلاق اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

Islamic ethics -- Early works to 20th century

نثر فارسی -- قرن ۹ق. -- تاریخ و نقد

Persian prose literature -- 15th century -- History and criticism

شناسه افزوده: فروتن، عبدالرسول، مصحح

شناسه افزوده: دواش، محمدبن‌اسعد، ۸۲۰ - ۹۰۸ق. لوامع‌الاشراق فی مکارم‌الاخلاق شرح

رده بندی کنگره: ۱۱۸۵BJ

رده بندی دیویی: ۱۷۰۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۲۸۹۸۲

اطلاعات رگورد کتابشناسی: فیا



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب - چهارراه ابوریحان - شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۰۹۲۴۴۰۶۶۴۰۶۶۴۰۷۹ - نمابر: ۶۶۴۰۰۷۹

وب سایت: www.molapub.ir • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: molapub@yahoo.com

شرح اخلاق جلالی • جلال‌الدین دوانی

اعظم سواطع‌الآفاق فی شرح لوامع‌الاشراق • محمد یوسفعلی‌هندی

تصحیح و تحقیق: عبدالرسول فروتن (عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی هسته) • مقدمه: سید عبدالله انوار

چاپ اول: ۱۴۰۱ = ۱۴۴۴ • ۲۰۲ نسخه • ۳۶۰/۱  
۴۰۱

شابک: 978-600-339-168-0 ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۱۶۸-۰

طرح جلد: علی اسکندری • حروفچینی: دریاچه کتاب

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



## فهرست مطالب

نه	مقدمه سیدعبدالله انوار
یازده	مقدمه مصحح
سیزده	درباره محمدیوسفعلی
پانزده	وجوه اهمیت کتاب
هجده	شیوه شرح
بیست	سبک جملات شرح
بیست و یک	واژگان و ترکیبات جالب
بیست و یک	نسخه‌های اعظم سواطع الآفاق
بیست و دو	رسم الخط نسخه
بیست و پنج	تصویر نسخه‌ها

### شرح اخلاق جلالی

یا

اعظم سواطع الآفاق فی شرح لوامع الاشراف

(۳۶۸-۱)

۳	[مقدمه شارح]
۶	[مقدمه اخلاق جلالی]
۹	دعای دولت حضرت خاقانی صاحب‌زمانی حسن‌بیک
۱۹	تمهید سبب تألیف و ذکر همایون پادشاه‌زاده اسلام
۳۰	مطلع
۴۲	تنویر
۴۹	تبصره
۵۴	کشف غطا
۷۶	لامع اول: در تهذیب اخلاقی
۸۶	لمعه دوم: [در رسوم فضایل چهارگانه]
۸۸	لمعه سیوم: [در بیان انواعی که در تحت هریک از اجناس فضایل چهارگانه‌اند]

- ۱۰۸ تنویر
- ۱۰۹ لمعه چهارم: در ذکر صفتی چند که به فضایل شبیه‌اند و نه از فضایل‌اند
- ۱۱۸ لمعه پنجم: در ذکر رذایلی که ضد فضایل اربعه‌اند
- ۱۲۷ لمعه ششم: در بیان شرف عدالت
- ۱۳۳ تبصره
- ۱۴۶ تبصره: متمم هذه اللُعمه
- ۱۵۱ حکایت
- ۱۵۵ تنویر
- ۱۵۷ لمعه هفتم: در اقسام عدالت
- ۱۶۲ تنویر
- ۱۶۳ لمعه هشتم: در ترکیب اکتساب فضایل
- ۱۶۹ لمعه نهم: در حفظ صحت نفس
- ۱۷۹ لمعه دهم: در معالجات امراض نفسانی
- ۱۸۳ اما علاج حیرت
- ۱۸۴ اما علاج جهل بسیط
- ۱۸۸ اما علاج جهل مرکب
- ۱۸۹ اما علاج غضب
- ۲۰۴ علاج بددلی
- ۲۰۷ علاج خوف
- ۲۰۸ علاج خوف مرگ
- ۲۱۵ اما علاج افراط شهوت
- ۲۱۸ اشراق
- ۲۲۴ اما علاج حزن
- ۲۲۷ اما علاج حسد
- ۲۲۹ لامع دوم: در تدبیر منزل
- ۲۲۹ لمعه اولی: در سبب احتیاج به منزل
- ۲۳۱ لمعه دوم: در سیاست اقوات و اموال
- ۲۳۷ لمعه سیوم: در سیاست اهل
- ۲۴۱ لمعه چهارم: در سیاست اولاد
- ۲۴۹ آداب سخن گفتن
- ۲۵۱ آداب حرکت و سکون
- ۲۵۳ آداب طعام خوردن
- ۲۵۸ لمعه ششم: در سیاست خدم
- ۲۶۶ لامع سیوم: در تدبیر مدن و رسوم پادشاهی

۲۶۶	لمعه اول: در احتیاج انسان به تمدن
۲۷۶	لمعه دوم: در فضیلت محبت
۳۰۲	لمعه سوم: در اقسام مدینه
۳۰۹	لمعه چهارم: در سیاست ملک و آداب ملوک
۳۳۳	لمعه پنجم: در آداب خدمت و رسوم مقرّبان سلاطین و ارباب دولت
۳۳۹	لمعه ششم: در فضیلت صداقت و وظایف معاشرت با اصداقا
۳۴۴	لمعه هفتم: در آداب معاشرت با طبقات ناس
۳۵۱	مغرب در بعضی لواحق
۳۵۱	سمت اول: در وصایای افلاطون
۳۵۴	سمت دوم: در وصایای ارسطاطالیس
۳۶۹	منابع مقدمه و توضیحات
۳۷۱	نمایه‌ها
۳۷۱	آیات
۳۷۴	احادیث، اقوال و امثال عربی
۳۷۸	کسان
۳۸۱	جای‌ها
۳۸۲	ابیات و مصراع‌ها
۳۸۷	کتاب‌ها
۳۸۸	اصطلاحات بلاغی و زبانی
۳۹۱	فرهنگ واژگان و اصطلاحات





## مقدمه سید عبدالله انوار

آنچه در صفحات بعد از نظر خواهد گذشت شرح کتاب لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق یا اخلاق جلال الدین دوانی در قرن نهم است به پارسی. مصحح محترم در تصحیح و تنقیح آن سعی وافعی نمود. و آنچه باید گفته شود گفته شده است. اخلاق جلالی از کتب بسیار عالمانه در مباحث اخلاقی است که به صورت مزجی (شرح مزجی) در اینجا در دسترس خواننده قرار گرفته است. با تتبع در فهرس کتب به آن می‌رسیم که فرهنگ اسلامی در زبان خواجه نصیرالدین طوسی با بودن کتاب طهارت الاعراق که به احتمال متاخم به یقین ترجمه اخلاق نیکوماخوس ارسطو است که در بیت الحکمة مأمونی از زبان یونانی به زبان عربی برگردانده شده است و با بودن آن و خود اخلاق ناصری خواجه نصیر یا اخلاق جلالی ملاجلال دوانی و نیز اخلاق محتشمی باید فرهنگ اسلامی به مرحله‌ای رسیده باشد که وجود چنین کتبی را می‌طلبیده است.

روزی که حسن صباح به قلعه الموت دست یافت طبق روایتی که به تواتر رسیده است گفته بود اگر یک ایرانی دیگر همراه و هم‌فکر داشتم، قدم ترکان (= ترکان سلجوقی) و عرب را به این خاک قطع می‌کردم. او در قلعه الموت حکومتی برقرار کرد که در پاکی بی‌بدیل بود. معروف است که او پسر را برابر شرب مسکر کشت و هزینه‌ی اعاشه خواهر و نسوان خود را بر فروش دست‌بافت به‌وسیله آنها قرار داد. چون او در گذشت بزرگ‌امید جانشین او گردید. او در حکومت الموت بر همان روش رفت که حسن صباح می‌رفت و با مرگ بزرگ‌امید محمدبن بزرگ‌امید جانشین او گردید. طبق تاریخ اسماعیلیان با جانشینی حسن علی ذکره‌سلام که دو سال و نیمی حکومت نکرد در ماه رضانی او اعلام کرد که قائم ظهور کرده است و اوامر و نواهی دینی و مسائل شرعی از اعتبار افتاده‌اند،

گرچه این دوره او به طول نکشید و دین دوباره با مقررات خود برقرار گردید و مسائل اخلاقی پشتوانه دینی خود را یافتند و کتب اخلاقی نگاشته بدین زمان، سبب همان اعلام ظهور قائم اوست، فی المثل کتاب اخلاق ناصری که از اهم کتب در اخلاق است، چنانکه به مقدمه آن رجوع شود علت تکوین آن چنین آمده که ناصرالدین حاکم قهستان، از خواجه نصیر خواست کتاب در اخلاق پردازد و خواجه کتاب اخلاق ناصری را با اخذ چهار فضیلت و هشت ردیلت فراهم آورد و در این نگارش اگر دقت شود توضیح مطالب هر فضیلت را محصور در دور ذیلت دید، که چون هندسه دانان بر یک استقامت معرفی کرد، ولی به عکس اهل هندسه که محل اتصال دو قسمت مشخص و مجاور هم را در یک خط مستقیم نقطه‌ای می‌بینند که متعلق به هر یک از دو قسمت است، در اینجا یعنی در اخلاق هر فضیلت را نقطه‌ای می‌بیند که انتهای یک ردیلت و ابتدای ردیلت دیگر قرار دارد. فی المثل فضیلت شجاعت خصیصه‌ای است که در یک سوی خود ردیلت مهمور دارد و در سوی دیگر ردیلت جبن. اخلاق جلالی که بعد از اخلاق ناصری در دسترس قرار گرفت بر همان فضیلت‌ها و ردیلت‌هایی تکیه داشت که اخلاق ناصری تکیه کرده بود البته با توضیحات و دلایل تازه‌تری و هر دو کتاب «اخلاق ناصری» و «اخلاق جلالی» - حلیه چاپ یافته‌اند.

سیدعبدالله انوار

## مقدمه مصحح

لواع الاشراق فی مکارم الاخلاق یا اخلاق جلالی (تألیف میان ۸۷۱ تا ۸۸۳ ق) از مشهورترین کتاب‌های اخلاقی نوشته شده به زبان فارسی و از آثار علامه جلال‌الدین دوانی (۸۳۰-۹۰۸ ق) است. او که در دوان، از توابع کازرون به دنیا آمد، پس از آموختن مقدمات علم نزد پدرش و تحصیل در شیراز، در آنجا به تدریس مشغول شد. در دوره‌ای به صدرات یوسف بن جهان‌شاه قراقویونلو و نیز قضاوت پرداخت. در نهایت در پی بروز اغتشاشات، پس از مدتی توقف در جنوب فارس، از شیراز راهی کازرون بود که در نزدیکی پل آبگینه درگذشت. او را در زادگاهش دوان به خاک سپردند. از جلال‌الدین دوانی حدود هشتاد اثر (اعم از رساله، تحشیه، نامه، شعر و جز آن) برجای مانده است. درباره اخلاق جلالی و نویسنده دانشمندی که از بزرگ‌ترین حکیمان قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری بوده، می‌توان بسیار سخن گفت. اما جهت رعایت اختصار، در اینجا به کتاب حاضر - یعنی اعظم سواطع الآفاق فی شرح لواع الاشراق - و مؤلفش - محمد یوسف علی هندی - می‌پردازیم و خوانندگان را برای کسب اطلاعات بیشتر در باب اخلاق جلالی و جلال‌الدین دوانی به مراجع دیگر ارجاع می‌دهیم.<sup>۱</sup>

۱. از جمله رک: شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی، علی دوانی، قم: چاپخانه حکمت، ۱۳۳۴؛ سبک‌شناسی، محمدتقی بهار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ جلال‌الدین دوانی، فیلسوف ذوق‌التأله، غلامحسین ابراهیمی دینانی، تهران: هرمس، ۱۳۹۰؛ «کتاب‌شناسی آثار جلال‌الدین دوانی»، رضا پورجوادی، معارف، شماره ۴۳ و ۴۴، فروردین - آبان ۱۳۷۷، ص ۸۱-۱۳۸؛ تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، تهران: فردوس، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۹۲؛ مقدمه اخلاق جلالی، عبدالله مسعودی آرانی، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۱ و دو مقاله از راقم این سطور:

مؤلف اعظم سواطع الآفاق در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، اشاره می‌کند که وقتی در خدمت استاد خود به تهذیب اخلاق می‌پرداخت و از این رو اخلاق جلالی را می‌خواند، از حاکم دستور رسید که «به تنقیح و تفتیح مُغَلِّقات و شرح و بسط مشکلات آن کتاب مستطاب پردازد؛ به نهجی که از تطویل مُمِل و ایجاز مُخِل خالی باشد». این جملات نشانگر درسی بودن اخلاق جلالی و اهمیت آن در شبه‌قاره است. این نکته را می‌توان از طریق اطلاعات دیگری هم دریافت؛ علاوه بر نسخه‌های متعددی که از آن موجود است<sup>۱</sup>، هم بارها به طبع رسیده و هم چند شرح یا فرهنگ از آن در دست است. برای مثال طبق گزارش عارف نوشاهی در شبه‌قاره حداقل سی‌ونه بار به صورت کامل و چند بار به شکل گزیده منتشر شده است. همچنین سه بار به اردو ترجمه و در مواردی با فرهنگ لغات یا شرح چاپ شده است.<sup>۲</sup> یکی از چاپ‌های سنگی اخلاق جلالی به فارسی نیز که در دسترس نگارنده است (چاپ مظفری بمبئی، به سفارش حاجی صدیق خواجه خجندی، بی‌تا)، حواشی مفصل و مفیدی به قلم مولوی محمد عبدالغفور و مولوی محمد هادی علی دارد که ظاهراً مختص این چاپ نیست. محمد نجم‌الدین هم شرحی به فارسی بر اخلاق جلالی نوشته است که نسخه ناقصی از آن در ۴۴ صفحه به شماره ۱۱۹ در کتابخانه ندوة العلماء لکهنو نگهداری می‌شود.<sup>۳</sup>

← «بررسی وجوه ادبی زندگی و آثار جلال‌الدین دوانی» (با همکاری دکتر سیدمحمد طباطبایی بهبهانی)، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۷۳-۱۹۰ و «نظری اجمالی بر اخلاق جلالی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۹۸، فروردین ۱۳۹۳، ص ۲۰-۲۳.

۱. برای نمونه رک: فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۴، ص ۲۴۳۸-۲۴۴۰.  
 ۲. اخلاق جلالی مع تعارف و ترجمه و شرح و فرهنگ و خلاصه، تألیف کی. بی. نسیم، پشاور: عظیم پبلشنگ هاوس، ۱۹۶۷ م، ۱۲۰ ص؛ فرهنگ اخلاق جلالی، مؤلف ناشناخته، لاهور: جان محمد و الله بخش، ۱۹۳۱ م، ۲۷۲ ص؛ اخلاق جلالی (ترجمه به اردو از محمد سلیمان)، در مکارم الاخلاق، پتنه: دی آرت پریس، ۱۹۷۷، ص ۹۷-۱۴۳ (رک: کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۷).

۳. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ندوة العلماء لکهنو، ص ۴۹۷.

منظور از مطالب یادشده این نیست که اخلاق جلالی در سایر مناطقی که زبان فارسی نفوذ و رسمیت داشت، کم‌اهمیت بوده است. گفته‌اند این کتاب در دانشگاه کمبریج در دوره عالی درس زبان فارسی تدریس می‌شده و پروفیسور تامسن ترجمه انگلیسی آن را در سال ۱۸۳۹ چاپ کرده است.<sup>۱</sup> این موارد اشاراتی بود تا بهتر دانسته شود در اواخر دوره نفوذ جدی زبان فارسی در شبه‌قاره، جایگاه آثار حکمی فارسی مثل اخلاق جلالی چگونه بوده و عالمان آن دیار تا چه میزان به این نوع آثار ارجح می‌نهادند. در ادامه به موضوع اصلی بحث، یعنی شرح دیگری که در دیار هندوستان بر اخلاق جلالی به دست محمد یوسف علی هندی نوشته شده، می‌پردازیم و قصد داریم جوانب گوناگون آن را بررسی کنیم.

### درباره محمد یوسف علی هندی

برخلاف اطلاعات بسیاری که از جلال‌الدین دوانی در اختیار داریم، متأسفانه آگاهی‌های ما درباره این شارح (محمد یوسف علی هندی) بسیار محدود است. او خود در مقدمه اعظم سواطع الآفاق توضیح می‌دهد که هنگامی که اخلاق جلالی را در محضر سیدابوطیب خان می‌آموخته، به دستور محمدغوث خان بهادر جنگ متخلص به «اعظم» به تنقیح و تفتیح مغلفات و شرح و بسط مشکلات این کتاب پرداخته است. این محمدغوث خان (متوفی ۱۲۷۲ق) حاکم کرناٹک هندوستان و از ادیبان و شاعران روزگار خود بوده و دو تذکره به نام‌های صبح وطن و گلزار اعظم تألیف کرده است.<sup>۲</sup> سیدابوطیب خان متخلص به «والا» (در گذشته به سال ۱۲۶۴ق) هم از دانشمندان و خوشنویسان و شاعران مدراس هند بود که نسبش به بیست‌وهفت واسطه به امام حسین (ع) می‌رسید.<sup>۳</sup>

۱. مقدمه مسعودی آرنانی بر اخلاق جلالی، ص ۲۱ و فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۴، ص ۲۴۳۹.

۲. رک: تذکره نتایج الافکار، ص ۶ و ۲۸-۳۲؛ تذکره صبح وطن، ص ۱۱-۱۳ و ۱۸-۱۹.

۳. رک: تذکره روز روشن، ص ۸۸۵-۸۸۶؛ تذکره نتایج الافکار، ص ۷۸۱-۷۸۷؛ تذکره شمع انجمن، ص ۵۲۰؛ تذکره گلزار اعظم، ص ۳۶۸-۳۸۲.

استاد محمدتقی دانش‌پژوه با استناد به فهرست مدراس احتمال داده است که محمد یوسف‌علی همان امین‌الدین علی‌خان گریان مؤلف تأییدالاعداد باشد<sup>۱</sup>. نمی‌توان درباره این احتمال، نظری قطعی بیان کرد. همچنین گفته‌اند که محمد یوسف‌علی هندی مفتی ایالت کرناتک بوده است<sup>۲</sup>. این شارح اخلاق جلالی با محمد یوسف‌علی بن محمد یعقوب‌علی شباهت نام و قرابت زمان دارد<sup>۳</sup>، اما محمد یوسف‌علی بن محمد یعقوب‌علی (متولد ۱۲۲۸ در گوپامو) شاعر و متمایل به تصوف بود و آن‌گونه که فرزندش محمد مظفر حسین صبا در تذکره روز روشن (تاریخ تألیف: ۱۲۹۶ق) گزارش می‌کند کتابی در شرح اخلاق جلالی تألیف نکرده است<sup>۴</sup>.

به هر حال، تنها اثر در دسترس محمد یوسف‌علی هندی مدنظر ما، اعظم سواطع الآفاق فی شرح لوامع الاشراف نام دارد. تاریخ تألیف آن را میان سال‌های ۱۲۵۳ تا ۱۲۶۴ق دانسته‌اند<sup>۵</sup>. خود او نیز در جملات پایانی کتاب به طرزى معماگونه از تاریخ تألیف آن سخن می‌گوید که ۱۲۶۰ از آن استخراج می‌شود<sup>۶</sup>. بنابراین باید ۱۲۶۰ق را سال تألیف اعظم سواطع الآفاق قلمداد کرد.

تألیف شرحی بر اثرى حکمی - اخلاقی چون اخلاق جلالی اثر علامه جلال‌الدین دوانی که دربردارنده نکات دشوار علوم ریاضی، موسیقی، نجوم و غیره است، اطلاعات گسترده شارح را نشان می‌دهد. محمد یوسف‌علی در موارد مختلفی به تکمیل اخلاق جلالی می‌پردازد و به کتاب‌های دیگر استناد می‌کند. او با کتب مهمی چون احیاء العلوم (ص ۲۱۶)، اخلاق ناصری (ص ۵۹، ۶۹، ۸۵، ۲۷۸)،

۱. اخلاق محتشمی، مقدمه، ص ۱۵.

۲. کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳. الذریعه، ج ۹، ص ۱۳۲۰.

۴. تذکره روز روشن، ص ۹۵۳-۹۷۱.

۵. اخلاق محتشمی، همان‌جا.

۶. مضمون جملات انتهای کتاب چنین است که آحاد ندارد و صفر است و دهگانش (نخستین کاخ عشرت‌سرای تمامیت...) اولین عدد تام در اعداد که شش است. اما صدها ضعف (دو برابر) عشرات یک دهم آن است که ۱۲۰۰ می‌شود (چون ۶۰ دو برابر شود ۱۲۰ حاصل می‌شود که یک‌دهم ۱۲۰۰ است). در اینجا هم از استاد غمادالدین شیخ‌الحکامی و حجت‌الاسلام محمدعلی خسروی برای ارائه این توضیحات سپاسگزارم.

اخلاق محسنی (ص ۲۵۹)، نفایس‌الفنون (ص ۲۷۷) و برهان قاطع (ص ۱۲) آشنایی داشته و از آن‌ها در تألیف این شرح بهره برده است. همچنین وی در اعظم سواطع‌الآفاق از حساب هندی نام می‌برد و برخی از اصطلاحات آن را ذکر می‌کند (۲۱۲-۲۱۳).

آخرین نکته‌ای که می‌توانیم درباره‌ی محمد یوسف علی هندی ذکر کنیم، اینکه براساس جمله‌ای که وی در تکمیل سخن علامه دوانی درباره‌ی مذهب شافعی می‌آورد و شارح در آن به مذهب ابی حنیفه اشاره می‌کند (ص ۳۲۲)، شاید بتوان گفت که او حنفی‌مذهب بوده است.

### وجوه اهمیت کتاب

۱. به مثابه‌ی یک نسخه‌بدل دقیق برای متن اخلاق جلالی که هنوز هم تصحیح کاملاً متقنی ندارد، قابل استفاده است. برخی ضبط‌های اعظم سواطع‌الآفاق اشتباهات موجود در متن اخلاق جلالی مصحح مسعودی آرانی را - که آخرین و معتبرترین چاپ این کتاب محسوب می‌شود - نشان می‌دهند؛ برای نمونه:  
- «تحمل اعیای آن را جز آدمی ضعیف درخور نبود» (ص ۳۳). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرانی (ص ۵۷): اعبای.

«بر تقریر اول عدالت کمال قوت عملی است و بر تقریر ثانی اختصاص به او ندارد» (ص ۸۰). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرانی (ص ۷۷): بر تقریر اختصاص.

«غایت‌الغایات کمال آن قوت است تحلی به حقایق موجودات که سعادت قصوی است» (ص ۸۲). هندی درباره‌ی اجزای کلام این‌گونه توضیح می‌دهد:  
«غایت‌الغایات کمال آن قوت، مبتدا به اضافه هر لفظی از آن به سوی دیگری و تحلی به حقایق موجودات، خبر آن و قوله است رابط بینهما؛ یعنی منتهای مقاصد کمال قوت نظری تحلی به حقایق موجودات است؛ چه عالم حقایق موجودات سعادت قصوی است مر نفس را». جمله‌ی بالا در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرانی (ص ۷۸) این‌گونه ضبط شده است: «غایت‌الغایات کمال، آن قوت است به تجلی به حقایق موجودات که سعادت قصو است».



- «هر کس که در وقت خروج از خانه این دعا بخواند، حضرت جواد مطلق از خزانه بی‌نفاذ خود در رزق او وسعت کرامت فرماید.» (ص ۱۰۶). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرائی (ص ۹۲): بی‌نفاذ.

- «لکن ابوعلی در شفا می‌آرد که اشبه آن است.» (۶۳-۶۴). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرائی (ص ۶۹): اسبه.

- «در آن شرف بر او راجح آید» (ص ۱۹۴). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرائی (ص ۱۵۰): راجح آید.

- «قبه‌ای از بلور که به صفت صفای جوهر و روای منظر موصوف و معروف بود» (ص ۲۰۰). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرائی (ص ۱۵۴): ردای منظر. «چه سلطنت و ریاست لذاتها مقصود نیست» (ص ۳۷۷). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرائی (ص ۲۹۸): لذت‌ها.

- «قد رَبُّ حُبَّكَ فِي الْأَشْيَاءِ أَجْمَعِهَا» (ص ۲۲۲). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرائی (ص ۱۷۰): دت.

- «گاه ایشان را به خلّ و بقل اقناعات قناعت فرمایند.» (ص ۳۰۵). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرائی (ص ۲۴۷): به قل.

- «و نفس مقدسش به مرتبه بلند پایه و علمناه من لدنا علماً واصل» (ص ۳۳۲). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرائی (ص ۲۷۳): و اصل....

- «شاخه‌های عریان چون روستایان بی‌برگ و نوا منتظر خلعت نوروزی مانده» (ص ۳۶۲). در اخلاق جلالی به تصحیح مسعودی آرائی (ص ۳۰۲): ساقیان.

۲. بی‌تردید توضیحات و افزوده‌های شارح در دریافتن و فهم بهتر متن اخلاق جلالی به خواننده بسیار یاری می‌رساند.

۳. معادل‌های برخی لغات متن و توضیح آن‌ها (حدود ۱۵۰۰ واژه و ترکیب) که بخشی به شیوه فرهنگ‌نویسی قدیم گردآوری و بخشی دیگر با «و» یا «آی» در میان متن اخلاق جلالی افزوده شده‌اند، اهمیت دارد. مجموع آن‌ها به صورت مستقل می‌تواند یک فرهنگ لغت قابل توجه باشد. البته برای این فرهنگ لغات، شاهدهی ذکر نمی‌شود. فهرست این لغات را در نمایه پایانی کتاب ذیل عنوان «فرهنگ واژگان و اصطلاحات» آورده‌ایم. دو مورد از توضیحات شارح در معنی

کلمات را در زیر نقل می‌کنیم:

- «طمانینت: به‌ضم طای مهمله و کسر نون اول و فتح نون ثانی، آرام و آنچه به‌فتح طا و نون واحده شهرت یافته، غلط محض است، اصلی ندارد و الف زودازود وصلی است؛ مانند: شباشب و لبالب.» (ص ۹۲).

- «مرسوم: چوبکی باشد میخ‌مانند که سر آن بزرگ مدور شبیه به گوله بود و آن را بر دسته‌ ساز عود قریب به کاسه نصب می‌کنند و بر آن تارهای ساز می‌پیچند. چون آن مرسوم را بگردانند، نغمات گوناگون از آن برمی‌آید.» (ص ۳۱۰). این معنی در فرهنگ‌های در دسترس و معمول مشاهده نشد. به نظر می‌رسد اشتباه باشد.

۴. نکات بلاغی متن هم در نوع خود درخور توجه است؛ مانند: «در این دو فقره ابرو و مژگان را به مرد شجاع تشبیه داده، مشبه‌به را ذکر نکرده و این استعاره بالکنایه است و کمان را به‌زه آوردن و تیغ کشیدن که از لوازم مرد شجاع است به ابرو و مژگان ثابت نموده و این استعاره تخیلیه است.» (ص ۱۴).

۵. اصطلاحات دستوری مطرح‌شده در این شرح هم می‌تواند اهمیت توضیحات شارح را بهتر نشان دهد. این بررسی‌های دستوری براساس صرف و نحو عربی است. نمونه‌هایی از این موارد:

- «ذرات اکوان مبتدا، غایتی و مصلحتی خبر آن.» (ص ۳۱).

- «ضمیر قهرش راجع به سوی ممدوح و همچنان ضمیر سیاستش اگر مضاف‌الیه باشد و اگر ضمیر مفعولی باشد، راجع به طرف آفتاب است.» (ص ۱۴).

- شارح در شرح جمله «وظیفه آن باشد که دوستی دانا اختیار نماید» می‌نویسد: «باء دوستی می‌تواند که مجهول و برای وحدت باشد و مابعد آن وصف آن و می‌شاید که معروف و مصدریه باشد و مابعد او مضاف‌الیه آن.» (ص ۱۷۸).

- همچنین در شرح این جمله از اخلاق جلالی «سخنان که در محاورات امثال خود گوید، به اصوات حیوانات انطباق است که به کلام انسان» می‌خوانیم: «این کاف برای نفی است ای نه به کلام انسان مناسبت دارد.» (ص ۱۸۵).

- در اینجا شارح صرفاً نقش دستوری را مشخص می‌کند تا جمله مفهوم باشد: «در کسب خصلتی از آن نعم تحمل اخطار و تکلف اسفار و تعرض مکاره و مخاوف

اختیار نمایند، تا اینجا شرط است و جزای آن: به طریق اولی در اقتنای نعم حقیقی و فضایل ذاتی که حلیه ذات باشد...» (ص ۱۷۴).

به دلیل گستردگی این اصطلاحات دستوری-زبانی و نیز اصطلاحات بلاغی، نمایه آن‌ها در انتهای این کتاب آمده است.

۶. اشاره به خطای ناسخین و یا جلال الدین دوانی:

«باید دانست که مؤلف محقق علاج بطالت را که نوع ثانی از امراض قوت جذب و در شمار انواع مندرج بود، ترک داده یا از ناسخین فرو گذاشت شده، لهذا به ذکر تعریف و علاج آن پرداخته آمد و آن اینکه...» (ص ۲۲۳-۲۲۴).

«... شاید این از خطای ناسخین باشد؛ زیرا که به اعتبار اقتضای اجزاء آن می‌باید که سریع انعقاد و متوسط الانحلال باشد؛ چه لذت و خیر هر دو سریع الانعقادند و در انحلال لذت سریع است و خیر بطیء و مرکب از آن هر دو متوسط خواهد بود. و الله أعلم.» (ص ۲۷۹).

«باید دانست که این وجه پیش از این هم مذکور شده، باز تکرار آن خالی از خطا نیست. شاید قلم ناسخین بدان جولانی نموده باشد.» (ص ۲۸۶).

### شیوه شرح

نویسنده اعظم سواطع الآفاق در شرح خود به موارد زیر می‌پردازد:

۱. توضیح لغات و دشواری‌های متن: در این کتاب عموماً یک یا چند جمله آورده می‌شوند و در پی آن، کلمات دشوار معنی و منظور کلی جملات بیان می‌گردند و یا اینکه معنای لغات و منظور از آن‌ها در پایان هر کدام از واژه‌های دشوار ذکر می‌شود. در موارد متعددی کلمه را به هنگام نخستین ذکر آن، معنی نمی‌کند؛ مثل «مجبول» که اولین بار در ص ۲۰ آمده و پس از آن نیز چند بار دیگر تکرار شده، اما در نهایت در ص ۶۰ معنی می‌شود. «حیّز» را در ص ۱۳۰ معنی می‌کند، گرچه پیش‌تر آمده بود (ص ۱۲۳ و ۱۲۹). کلمه «اخلاق» را که موضوع اصلی کتاب است و در همان صفحات آغازین کتاب بارها دیده می‌شود، در ص ۷۶ معنی می‌کند. همچنین گاه برای یک کلمه بیش از یک بار و در مواضع مختلف کتاب، معادل می‌آورد. البته در موارد اندکی نیز تنها تلفظ کلمات مشخص می‌شود (همچون «سفه»، «گربزی» و «بله» در ص ۱۲۵-۱۲۶).

۲. ترجمه آیات، احادیث، عبارات و اشعار عربی. به نظر می‌رسد که وی این ترجمه‌ها را خود انجام داده و از منبعی نقل نکرده است. شارح در ترجمه آیات گاه توضیح بیشتری نیز می‌دهد؛ مثل ترجمه آیات ۱۶۹-۱۷۰ سوره آل عمران: - «مپندار ای بشارت‌دهنده از حال شهداء اُخْد به برادران اوشان آن‌ها را که کشته شده‌اند در راه خدای به صدق نیت مردگان، بلکه ایشان زندگانند نزدیک پروردگار خود، رزق می‌یابند از میوه‌های بهشت در حالی که شادمانند به چیزی که عطا کرده است خدا بر ایشان از فضل خویش که خوشنودی حق باشد.» (ص ۱۱۴).

البته به صورت کلی، ترجمه‌های وی تحت‌اللفظی‌اند: - «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ یعنی اما هر کس که ترسیده باشد از ایستادن خود نزد پروردگار خود، یعنی در موقف عبادت و باز داشته باشد نفس خود را ز آرزوی حرام و ناشایسته، به‌درستی که بهشت همان است آرامگاه او.» (ص ۹۵). - «إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ یعنی نیست دوستان او تعالی شانه مگر پرهیزکاران اند.» (ص ۹۷).

۳. تعیین نقش کلمات در جملاتی که عموماً مفصل و پیچیده هستند.

۴. اشاره به نکات بلاغی برخی جملات (در موارد معدودی).

۵. افزودن فعل، شناسه (مثلاً «اند» در ص ۱۷)، قید، عباراتی مثل «تعالی و تقدس» و غیره برای تکمیل جملات اخلاق جلالی. برخی از این موارد در متن اخلاق جلالی به قرینه لفظی حذف شده‌اند و از آنجا که به واسطه شرح، جملات معطوف به یکدیگر از هم فاصله گرفته‌اند، شارح ناگزیر به ذکر آن‌ها شده است.

۶. در موارد اندکی، گوینده سخنی را مشخص می‌کند و یا توضیح بیشتری درباره موضوع می‌دهد (رک: ص ۳۰۹ و ۳۲۷). همچنین در جمله زیر، «ترحم صغار» را به مواردی که دوانی ذکر کرده، افزوده است: - «قسم دوم از عدالت آنچه متعلق است به مشارکت با بنی نوع؛ چون تعظیم سلاطین و تکریم علما و ائمه دین و ترحم صغار و ادای امانات و انصاف در معاملات.» (ص ۱۵۷).

۷. گاه فقط حرکت یا حرکت‌های کلمات مشخص می‌شود تا رفع ابهام صورت گیرد (برای نمونه، ص ۲۵۹).
۸. ارجاع به مطالبی که پیش‌تر در اخلاق جلالی گفته شده و یا پس از آن گفته خواهد شد (برای مثال، ص ۲۷۷).
۹. اشاره به خطای کاتبان و یا مؤلف که پیش‌تر به آن اشاره شد.

### سبک جملات شرح

گرچه به دلیل اینکه حدود نیمی از متن اعظم سواطع‌الآفاق از اخلاق جلالی است و نیم دیگر شرح نیز به‌شدت از متن آن تأثیر گرفته، اما می‌توان به چند ویژگی زبانی اعظم سواطع‌الآفاق اشاره کرد:

۱. شناسه جمع برای احترام:

- «از معجزات موسی علیه‌السلام بود که به حکم الهی بر سنگی از عصای خود زدند» (ص ۲۱).

- «هر گاه موسی علیه‌السلام جهت آوردن تورات جانب کوه طور رفتند، سامری گوساله‌ای از زر تیار ساخته.» (ص ۹۸).

حتی برای اخلاق هم از شناسه جمع استفاده می‌کند:

- «پس از این دلایل معلوم شد که اخلاق قابل‌تغییرند.» (ص ۱۱۹).

۲. فعل وصفی:

- «حاصل آنکه مُبدع عالم جلّ جلاله حواس باطنی انسان را به صور اشیاء کونیه موشح و منطبع ساخته، پیش نفس ناطقه نهاد.» (ص ۷).

- «در همان سال از سنین هجریه پادشاه ممدوح، فتح مملکت فارس نموده مسند آرای ریاست گردید.» (ص ۱۷).

- «مشرکان مکه شادمان شده، از روی شماتت با اهل ایمان گفتند...» (ص ۱۷).

۳. استفاده از شناسه جمع غایب به جای جمع مخاطب:

- «گفتند که شما و نصاری هر دو اهل کتاب‌اند و ما و فارسیان امیانیم.»

(ص ۱۷).

۴. استفاده از حرف اضافه مضاعف «مر ... را»؛ گرچه در متن اخلاق جلالی

استفاده نشده است:

- «نفس ناطقه: قوتی است مختص به انسان مُدرک است مرکبات و جزئیات غیرمادیه را بالذات.» (ص ۷).

- «وجه مناسبت این علم به طب آن است که چنان که مقصود از طب جسمانی دو چیز است: یکی حفظ صحت حاصله مر صحیح المزاجان را؛ دوم، استرداد صحت زایلۀ مر مریضان را...» (ص ۴۹).

- «سلطنت جهان و قیمی زمین و زمان مسلّم مر ممدوح راست.» (ص ۱۶؛ نیز در ص ۲۳، ۳۶، ۴۷ و...).

### واژگان و ترکیبات جالب

برخی از واژگان و ترکیبات و تلفظ‌های جالب متن شرح عبارت است از:  
- دل جوشی: «سماحت و آن بذل کردنِ نفس باشد به دل جوشی از چیزهایی که واجب نبود بذل آن.» (ص ۹۹).

- ذکر طولانی داشتن: «در معنی اولوالعزم اقوال دیگر هم هست و ذکر آن طولانی دارد.» (ص ۹۶).

نمونه‌های دیگری از این واژه‌ها و ترکیبات: دوبالاگردیدن (ص ۲۳)، خرچ (ص ۸۱، ۸۷، ۹۷، ۱۱۲، ۲۱۶)، شباروز (ص ۱۲)، خودها (ص ۱۷، ۷۷، ۱۰۳، ۱۱۶، ۱۸۶، ۱۹۵، ۲۰۲ و...)، شمایان (ص ۳۲۷)، جنبه‌داری کردن (ص ۹۲)، اوشان (ص ۳۷، ۱۱۴، ۱۵۸، ۲۹۰)، تشبیه دادن (ص ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۲۵ و...)، هرچی که (ص ۲۳۱)، آنچه که (ص ۳۴۸)، خاک روپه (ص ۲۴۱)، بذرگر (ص ۲۶۹)، تپ (ص ۲۴، ۳۶۲ و...)، مژد (ص ۱۷۷)، به دیر غضبناک شدن (ص ۱۹۰)، گنبذ (ص ۲۰۰)، هاوند (ص ۲۰۰)، باربار سرزنش نکردن (ص ۲۴۳)، خامیازه و دهان درّه (ص ۲۵۲).

### نسخه‌های اعظم سواطع الآفاق

تاکنون دو نسخه از این کتاب شناسایی شده است:

۱. نسخه کتابخانه دولتی مخطوطات شرقی مدراس هند به شماره ۵۶۸.

متأسفانه کوشش برای دسترسی به تصویری از این نسخه بی نتیجه بود.

۲. نسخه شماره ۱۰۶۴۴ که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. قدمت این نسخه که تاریخ کتابت و نام کاتب ندارد و به خط نستعلیق است، به قرن سیزدهم هجری قمری بازمی‌گردد. مهری نیز در ص ۶۳۲ نسخه با نقش «بهادر جنگ خدایار ۱۲۹۴» به چشم می‌خورد. نسخه‌ای عموماً خوانا است که با توجه به در دسترس نبودن نسخه یا نسخه‌های دیگر ارزش بسیاری دارد. در فهرست نسخه‌های مجلس به اشتباه با نام «سواطع الآفاق فی شرح لوامع الاشراق» ثبت و از قرن یازدهم دانسته شده است.<sup>۱</sup> در برجسیبی که به ابتدای نسخه زده شده هم نام کتاب را بدون «اعظم» نوشته‌اند. حال آنکه همان‌گونه که ذکر شد، مؤلف در قرن سیزدهم می‌زیسته و با توجه به تخلص حاکم کرنا تک (اعظم) در متن کتاب تصریح می‌کند: «چون تألیف این شرح به اشارت آن عالی‌جاه بود، مناسب چنان نمود که به اعظم سواطع الآفاق فی شرح لوامع الاشراق موسوم شود تا سطوع این شرح به عظمت نام نامی و اسم سامی ممدوح آفاق مجسم اخلاق به جمیع آفاق عام گردد». در فهرست ابتدای نسخه نیز کلمه «اعظم» در ابتدای نام کتاب دیده می‌شود.

علاوه بر دو نسخه فوق، این کتاب یک بار به سال ۱۲۹۸ ق در ۲۰۴ ص به خواهش سید فیاض حسین (ناظم جمعیت حیدرآباد دکن) در مطبعه نظام المطابع مدراس چاپ شده است.<sup>۲</sup> این چاپ هم به دست نیامد تا در مواقع لزوم از آن استفاده شود.

### رسم الخط نسخه

برجسته‌ترین ویژگی‌های رسم الخط نسخه خطی کتابخانه مجلس به همراه یک یا چند مثال به شرح زیر است. این موارد را در این تصحیح به شیوه امروزی برگردانده‌ایم:

۱. زیر «هاء» (مثلاً در «هر» یا «ظاهر») جز زمانی که در انتهای کلمه قرار دارد (مانند «گروه»)، علامتی شبیه «ه» گذاشته شده است.

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳۳/۱، ص ۱۴۴-۱۴۵.

۲. کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ‌شده در شبه‌قاره، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. «وا» به جای «ا»: برخواستن.
۳. گاف به شکل کاف: کردد، اکر.
۴. سرهم‌نویسی در مواردی به شکل افراطی دیده می‌شود: ترتیبیکه، یکشباروز، درینمقام، بشرطیکه، حقسبحانه.
۵. «به» در افعال در عوض «با»: به‌بیند، به‌پیماید.
۶. «توانگر» اغلب به صورت «تونکر» نوشته شده است.
۷. استفاده از «ه» به جای «ت» و «و» در عوض «ا» در واژگان عربی موجود در متون فارسی: غایه، ماهیه، صلوة، زکوة.
۸. «ه» به جای «ه‌ای». نامه = نامه‌ای. البته گاه همزه در این موارد گذاشته نشده است.
۹. «تورات» به شکل «توریت» کتابت شده است.
۱۰. حذف «ه‌اء ناملفوظ» هنگام ترکیب با «های جمع»: خلیفهای = خلیفه‌های، میوه‌های.
۱۱. «ذ» به جای «ز»: گذاف، گذارش، کارگذار.
۱۲. «ؤ» به جای «وو» یا «و»: طاؤس، داؤد، مصؤن.
۱۳. «ی» در عوض «یی»: دوی، پروای، کتاب‌های، جای، محی.
۱۴. «ی» به جای «ا»: قوی.

\* \* \*

ذکر این نکته ضرورت دارد که شرح حاضر به صورت مزجی تألیف شده است. شرح مزجی به شرحی گفته می‌شود که جدا کردن توضیح از اصل مطلب جز با نشانه‌های قراردادی ممکن نباشد. در اعظم سواعط الآفاق متن اخلاق جلالی از متن شرح به وسیله خطوط سرخ ممتدی مشخص شده است. البته در مواردی این علامت‌گذاری دقیق نیست و تا حد امکان، اشتباهات این چنینی ضمن مقابله با متن اخلاق جلالی تصحیح شد. در چاپ حاضر، به جای استفاده از خطوط، متن اخلاق جلالی را با حروف درشت‌تر (بولدشده) مشخص کرده‌ایم. در حاشیه برخی صفحات در کنار گزارش تصحیحات نسخه و نشانی آیات، به اختصار با استفاده از فرهنگ‌های در دسترس به‌ویژه لغت نامه دهخدا برخی کلمات دشوار



بیست و چهار / شرح اخلاق جلالی

را معنی کرده‌ایم. بر آن بوده‌ایم که این حواشی مفصل نشود.  
در پایان از جناب آقای حسین مفید که با چاپ این اثر در انتشارات مولی  
موافقت کردند و همکاران ایشان که مراحل آماده‌سازی آن را انجام دادند،  
صمیمانه تشکر می‌کنم.

عبدالرسول فروتن تهران، اسفندماه ۱۴۰۰

ar.foroutan@yahoo.com



ولا تساني في اوقات توجهاتها واما نصيحتها في قوله  
فانه الحق بان يصح في ورشدي وقد اوصيت بعض مشايخي رحمهم الله تعالى  
بالتوجه بعد صلوة الصبح لظفر صلوة ستفرغ احاطة بقدر الايمان عن الصبر  
المحسنة والمخلة الى درس الاشرت من دون اعمال الفكرة من الروتة والتخيل  
بل بالتحليل والتفريع المحسن حتى يكاد يرجع النفس الى مذاقها الاصلية  
وزراعتها الفطرية وفقنا الله تعالى للعمل بها والانتفاع بها وانما  
الكثر الطب المبارك فيه ندرت المعالمة وملاوة على فطرية محمد  
والفهم لبعضه وان ذلك كله فقرة عموده احقبتني  
ابن عبد الله محمد بن اسعد بن محمد الصدقي لاحظ الله العالين  
في الثامن عشر من شهر ربيع الثاني سنة الف و سبعمائة الهجرية

نمونه ای از دست خط علامه جلال الدین دوانی مربوط به سال ۸۷۴ هجری قمری  
(المشیخة سالک الدین یزدی، نسخه ۲۱۴۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)